روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
پنجشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۶ شوال ۱۴۴۴ • ۲۷ آوریل ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۳۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۰۶
اذان صبح فردا ۳:۴۴ • طلوع آفتاب ۵:۱۶

روزنامه شرق

• کوچ بهاره عشایر فارس از مناطق قشلاقی به ییلاقی آغاز شده است. در استان فارس بیش از ۲۷ هزار خانوار عشایر سیار که شامل سه ایل بزرگ قشقایی، ایل عرب خمسه و ایل لر هستند زندگی می‌کنند.
عکس: احمدرضا مداح/ فارس

دیالوگ روز

گوزنها - مسعود کیمیایی- ۱۳۵۳

سید (بهروز وثوقی): دِ رفیق من، ما واسادیم، تو رفتی، ما نخوندیم، تو خوندی، ما عین یه جزیره بی‌کس موندیم، تو با همه کس جونتو از آب کشیدی! آخرش چیِ شد؟ تو اونجا نشستی و ما اینجا! مگه تو کار درستی کردی؟ حرفم که میزنی میگن حالیت نی! بابا اگه حالیمون نی تقصیری نداریم، کسی حالیمون کرده که جفتک زدیم؟ دِ باوفا رفیقمی، نوکرتم! تا جونم دارم پات وای‌میسم! واسه اینکه آدمی! اما دیگه بهم سرکوفت نزن، کار تو هم که کمتر از ما نیس که! تو اونجوری شب و روز کردی ما اینجوری

کیفرخواست الهه محمدی و نیلوفر حامدی صادر شد

خبرنگار ایسنا دیروز در نشست هفتگی سخنگوی قوه قضائیه سؤال مهمی را درباره وضعیت دو خبرنگار بازداشتی پرسید. این خبرنگاران بیش از ۲۰۰ روز در بلاتکلیفی بودند. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤال ایسنا درباره اینکه تصمیم نهایی دادسرا درباره پرونده دستگیرشدگان ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ ازجمله نیلوفر حامدی و الهه محمدی که در بازداشت موقت هستند، چه زمانی گرفته خواهد شد؟ گفت: «نسبت به جرائم مختلفی که صورت می‌گیرد، واقعا در کمترین زمان ممکن پرونده در دادسرا رسیدگی و برای صدور رأی قانونی به مرجع صالح ارسال شود و این افتخار ماست. این را که افراد مدت‌ها تحت بازداشت هستند، نمی‌پذیریم».

او افزود: «درباره دو نفری که گفتید، پرونده متضمن کیفرخواست است که به متهمان ابلاغ شده و به منظور صدور رأی قانونی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب ارسال شده است. اتهام این دو نفر همکاری با دولت متخاصم آمریکا، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام است».

او افزود: «در جلسه ۲۸ فروردین ماه که فرایند ابلاغ کیفرخواست محقق شد، پرونده مقدمتا مطالعه شد و هر دو متهم در همان روز ۲۸ فروردین با خانواده‌های‌شان حضوری ملاقات کردند و پرونده درحال‌حاضر در اختیار وکلای متهمان است و کسانی که ایراد می‌گیرند و حرف‌هایی می‌زنند، بشنوند که پرونده برای تدارک دفاع در اختیار وکلای آنها قرار گرفته و پس از مطالعه وقت رسیدگی تعیین می‌شود. از ۳۰ فروردین سال جاری، فرایند مطالعه پرونده انجام شده است و تا یک ماه وقت رسیدگی تعیین می‌شود و جلسات دادگاه برگزار می‌شود».

ادامه بازداشت کیوان صمیمی

یکی از نزدیکان خانواده کیوان صمیمی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی، اعلام کرد که با وجود گذشت نزدیک به یک هفته از بازداشت او هنوز اطلاعی از وضعیتش ندارند. خبرگزاری فرانسه روز سه‌شنبه پنجم اسفند به نقل از این فرد نزدیک به خانواده آقای صمیمی نوشت که تاکنون خبری درباره نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری او در اختیار خانواده قرار نگرفته است. مصطفی نیلی، یکی از وکلای کیوان صمیمی، نیز در توییتی با توجه به «سن و وضعیت جسمانی» موکل خود، نسبت به بی‌خبری از وضعیت او ابراز نگرانی کرد. خبر بازداشت کیوان صمیمی روز ۳۱ فروردین از طرف شبکه خبر زیرنویس شد. از زمان اعلام این خبر تاکنون این روزنامه‌نگار زندانی هیچ تماسی با اعضای خانواده‌اش نگرفته است. نهادهای مربوطه نیز توضیحی درباره وضعیت آقای صمیمی نداده‌اند. فرد نزدیک به خانواده این روزنامه‌نگار زندانی به خبرگزاری فرانسه گفته است که در دی‌ماه سال گذشته پرونده‌ای به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور» برای او باز شده است.

کیوان صمیمی ۷۴ساله مدیرمسئولی مجله «نامه» و ماهنامه توقیفی «ایران فردا» را در کارنامه دارد.

آزادی سمانه اصغری

سمانه اصغری، فعال حقوق کودکان و فعال حقوق زنان که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ به ۱۸سال‌و سه ماه زندان محکوم شده بود و شش‌سال‌و سه ماه آن قابل اجرا بود، از زندان قرچک آزاد شد. او در مهر سال قبل بازداشت شده بود و بعد از اعلام عفو عمومی در روز سه‌شنبه ۲۵ بهمن ماه در تماسی تلفنی به همسرش خبر داد که حکم آزادی‌اش در زندان به او ابلاغ شده. پس از مراجعه همسر و خانواده ایشان به زندان قرچک، ساعت‌ها انتظار بی‌نتیجه بود و به آنها اعلام می‌شود که آزادی او منتفی است و چنین حکمی درباره سمانه اصغری به زندان قرچک ابلاغ نشده است و پیگیری‌های لازم باید از طریق دادگاه انقلاب صورت گیرد. پس از پیگیری همسرش در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به او اعلام می‌شود که پرونده همچنان در جریان و در حال بررسی است و درحال‌حاضر تصمیمی مبنی بر آزادی سمانه اصغری اتخاذ نشده و باید منتظر رسیدگی به پرونده و تماس از سمت دادگاه باشد. این فعال حقوق کودکان و دانشجوی دانشگاه خوارزمی تا ۴ اردیبهشت در زندان بود.

سیاست‌خوانی

وزیر ارشاد از حذف هنرمندان بی‌حجاب خبر داد

محمدمهدی اسماعیلی در جمع خبرنگاران در حاشیه نشست هیئت دولت درباره برخورد با بازیگرانی که بدون حجاب در مراکز عمومی و هنری حاضر می‌شوند، تأکید کرده است: «به لحاظ قانونی اجازه نداریم به کسانی که کشف حجاب می‌کنند اجازه حضور در برنامه‌های هنری بدهیم». به گزارش ایسنا وزیر فرهنگ درباره اقدام وزارت ارشاد درباره کشف حجاب گفت: «اعلام کرده‌ایم که در این زمینه قانون محور برنامه‌های ما خواهد بود و کسی که خارج از قانون برخورد کند، بنا بر مقررات با او برخورد می‌شود. از لحاظ قانونی نمی‌توانیم به کسانی که کشف حجاب کرده‌اند، اجازه حضور در برنامه‌های هنری را بدهیم». این سخنان در ادامه سیاست‌های وزارت ارشاد در زمینه حجاب است. ۱۹ فروردین بود که محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، به نظرسنجی‌هایی اشاره کرد که طبق آن «در همه نظرسنجی‌ها اکثریت قریب به اتفاق مردم خود را ملزم به رعایت حجاب می‌دانند». او در همین گفت‌وگو البته درباره اقدامات این وزارتخانه در برخورد با مسئله حجاب گفت: «مسائلی که مطرح می‌شود مختص چند شهر بزرگ است که آن هم ناشی از بعضی اتفاقات است که الحمدالله به سمت عادی‌شدن شرایط حرکت می‌کنیم. معتقدیم تا جایی که امکان دارد بایستی با کارهای تبیینی و ایجابی فضای عمومی جامعه را متوجه اهمیت قانون حجاب کنیم». اسماعیلی درباره اقدامات سلبی این وزارتخانه تصریح کرد: «در حوزه‌های مرتبط با وزارتخانه و اماکن فرهنگی - هنری آیین‌نامه‌های روشنی داریم که مجددا هم ابلاغ شده‌اند و در این زمینه مطابق قانون عمل خواهیم کرد. بر اجرای این آیین‌نامه‌ها نظارت صورت می‌گیرد. به شدت با هرکسی که ناقض این قوانین باشد برخورد خواهد شد، در همین دوره برگزاری برنامه‌های هنری یک‌ماهه اخیر حدود ۵.۶ مورد بود که به دلیل رعایت‌نکردن قوانین جلوی فعالیت آنها گرفته شد».

هنر خوانی

«ملخ» به کارلووی واری می‌رود

فیلم «ملخ» در جشنواره بین‌المللی کارلووی واری به نمایش درمی‌آید. این فیلم دومین ساخته بلند فائزه عزیزخانی است که به تهیه‌کنندگی منیژه حکمت و مهشید آهنگرانی‌فراهانی و پخش بین‌المللی مؤسسه ایریماژ در بخش ویژه «تولدی دیگر: سینمای ایران اینجا و اکنون» در پنجاه‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی کارلووی واری (۹ تا ۱۷ تیر ۱۴۰۲ / جمهوری چک) روی پرده می‌رود. برگزارکنندگان جشنواره در اعلامیه این بخش درباره فیلم «ملخ» چنین نوشته‌اند: «ملخ فیلم در فیلم است: درامی با مایه‌هایی کمدی و داستانی با مایه‌هایی مستند. دومین تلاش کارگردانی فائزه عزیزخانی، شاگرد کیارستمی، ترکیبی نوآورانه از سینماست که با دیدگاهی زنانه قوام یافته است». فیلم «ملخ»، محصول مشترک ایران و آلمان، با بازی هانیه توسلی، پگاه آهنگرانی، علی مصفا، پدرام شریفی، رامین صدیقی و شیرین آقارضاکاشی، فیلم‌برداری علیرضا برازنده، تدوین مجید و حمیدرضا برزگر، طراحی صحنه سهیل دانش‌اشراقی، طراحی لباس رعنا امینی و طراحی صدای ایرج شهزادی، پیش از این در جشنواره جنوب از جنوب غربی (ایالات متحده)، بزرگداشت سینمای ایران در دانشگاه یوسی‌ال‌ای (ایالات متحده)، جشنواره فیلم ادینبورو (اسکاتلند)، جشنواره فیلم اسپلیت (کرواسی)، جشنواره فیلم ونکوور (کانادا)، جشنواره فیلم سائوپائولو (برزیل)، جشنواره فیلم‌های مستقل سان‌فرانسیسکو (ایالات متحده)، جشنواره فیلم‌های ایرانی در موزه اسمیتسونین - واشنگتن (ایالات متحده)، نظرگاهی دیگر - جشنواره فیلم‌های زنان میلان (ایتالیا) و جشنواره فیلم فینیکس (ایالات متحده) حضور داشته است.

شاهنامه‌خوانی

پسین روزگاران کیخسرو

مهدی افشار
شاهنامه‌پژوه

کیخسرو پس از پیروزی بر افراسیاب و آرام گردانیدن جهان، به مدت شصت سال بر ایران و کشورهای زیر فرمان ایران پادشاهی کرد و به ناگاه این اندیشه در او پای گرفت که مبادا همانند جمشید و ضحاک دچار «منی» شود و از راه یزدان پاک بازگردد، به همین روی بر آن شد که تاج و تخت را رها کند و گوشه نیایش برگزیند و در آتشکده جای گیرد.

پهلوانان و مهان ایران ناخوشنود از رفتار شهریار نزد او رفته، اندرزش دادند که آیین شهریاران این‌چنین نیست که به تاج و تخت خود پشت کنند و چون او را در اندیشه خویش استوار دیدند، گیو را در پی رستم و زال فرستادند که برخوردار از دو گوهر پهلوانی و خرد بودند. زال چون از اندیشه خسرو آگاهی یافت، غمگین گشته، گفت بار دیگر با رنج همنوا شده‌ایم و از رستم خواست موبدان، ستاره‌شناسان و بخردان را گرد آورد تا با آنان به گفت‌وگو بنشیند و چون سخن موبدان و بخردان را بشنید، با آرزوی دگرگون گردانیدن اندیشه خسرو، بر آن شد همراه با رستم به درگاه او رود. خسرو پس از هفت روز عبادت، در روز هشتم به تخت شهریاری بازگشت و کسانی را پذیرا شد که خواستار دیدار او بودند. خسرو آنان را بنواخت و به گلایه آنان از دوری‌جستن از دیگران گوش فراداد.

گشادند لب کای سپهر روان/ جهاندار با داد و روشن روان/ توانایی و فرّ شاهی تواست/ ز خورشید تا پشت ماهی تواست/ همه بندگانیم در پیش شاه/ چه کردیم و بر ما چرا بست راه/ اگر غم ز دریاست، خشکی کنیم/ همه چادر خاک مشکی کنیم

خسرو چون این گلایه‌ها بشنید، پاسخ داد: «هرگز از پهلوانان و بخردان بی‌نیاز نبوده‌ام و نیستم، آرزویی در دل من است و سر آن ندارم آن آرزو را رها کنم و امید دارم که شب تار مرا روشن گرداند و شما نیز پیروز و شاد بازگردید». سپس به پرده‌دار خود گفت کسی را نپذیرد و دیگربار به نیایش پرداخت و با خود گفت که او را از این شهریاری سودی نیست و از خداوند خواست خواه از او نیکویی و خواه بدی برخاسته، او را در بهشت جای دهد.

پنج هفته تمام بی‌خواب به نیایش نزد گیهان خدای بود و سرانجام خواب او را دربربود و در خواب سروشی بر او پدیدار گشت و گفت زمان آمدن به درگاه یزدان پاک فرارسیده، او شهریاری نیک‌اختر و نیک‌بخت است و همان‌گونه که گنج‌ها به درویشان بخشیده، تخت شهریاری را به کسی بسپارد که جهانیان از او در آسایش و آرامش باشند. خسرو چون از خواب بیدار شد، بستر خویش را از خوی بدن پرآب دید. گریان پیشانی بر زمین سایید و کردگار را آفرین گفت. دیگر روز بی‌هیچ آرایه‌ای، با جامه‌ای ساده بر تخت شهریاری نشست. زال و رستم و دیگر ایرانیان چون آگاهی یافتند خسرو فرمان داده پرده برگیرند، همراه با موبدان و ردان و هرکس که از نژاد زرسب بود، به نزد شاه رفتند و پیش از آنکه به درگاه شاه راه یابند، زال و رستم پهلوانان ایران‌زمین را گفتند که شهریار به فریب ابلیس گمراه شده است. سپاهیان نیز با رخساری زرد و دلی پردرد به زال و رستم پیوستند و گلایه سر دادند که چرا شاه با خود چنین کرده است که سرو بالای او خمیده و گل سرخ رنگ چهره‌اش زرد گردد؛ می‌پندارند که بخت ایرانیان سیاه شده و گویا از ستارگان بر شاه زیانی آمده. زال به پهلوانان گفت که شاه، از تخت و تاج سیر گشته، باید او را پند داد تا به راه خرد بازگردد. آن‌گاه همه بزرگان انجمن کردند و به همراه زال و رستم به نزد خسرو رفتند. شاهنشاه چون از پس پرده آوای رستم بشنید، پراندیشه شده، از فراز تخت، پشت خمیده‌اش را راست کرده، به پا خاست و همگان را پذیرا شد. یکایک آنان را بپرسید و بنواخت‌شان. زال شهریار ایران را بسیار آفرین کرد و گفت: «از روزگار منوچهر تا به امروز نامداران بسیاری را به یاد دارم، بزرگ‌مردانی چون زوتهماسب و کاووس‌کی و سیاوش را که برایم چون فرزند بود و کسی چون تو را بدین بخردی ندیده‌ام؛ همه مهتران از خاک پای تو کم‌ترند و هر زهری را نام تو تریاک است. چون درباره تو آگهی ناسزایی یافتم، تیز بشتافتم و ستاره‌شناسان را فراخواندم تا راز سپهر را بجویند تا بدانند چرا از ایران مهر بُریدی و از ما چهره بپوشیدی و من از درد ایرانیان چون عقاب بشتافتم تا از شاه بپرسم در اندیشه خود چه چیزی را در نهان دارد. شهریار خود می‌دانند که به سه چیز، هر کار نیکو گردد، به گنج، به رنج و به مردان مرد و این سه را نباید اندک شمرد و یزدان پاک را ستایش کنیم که او فریادرس بنده خویش است و این سه را باید پاس داشت». خسرو چون سخنان زال بشنید، در پاسخ گفت: «ای پیر پاکیزه‌اندیش که همه گفتارهای تو شیرین و شاینده است و از گاه منوچهر تا به امروز پیوسته شاهان ایران را پشتیبان و پشتوانه بوده‌ای و فرزند برومندت رستم، ستون شهریاری ایرانیان بوده؛ همو که پدرم، سیاوش را در دامان خویش پرورده و به او نیکویی‌ها رسانده و چه بسیار سپاهیان دشمن با دیدن یال و کوپال رستم جنگ‌ناکرده بگریخته‌اند و اگر بخواهم از رنج‌های خاندان تو بگویم، تا صد سال دیگر سخن ناتمام می‌ماند. از کار من پرسیدی و اینکه چرا بار نمی‌دهم و پرده‌دار، پرده فروافکنده است. از یزدان آرزو دارم گناهان گذشته مرا ببخشاید و سپس مرا از این سپنجی‌سرای ببرد و در نیکویی‌ها مرا رهنما باشد تا مبادا چون شاهان پیشین سر از پیمان بپیچم. اکنون هرچه در زندگی خواستم، به دست آورده‌ام و باید آماده رفتن شد. در سحرگاهی خواب چشمان مرا بربود و سروشی از سوی یزدان پاک بیامد و مرا گفت گاه رفتن فرا رسیده و غم لشکر و تاج و تخت نیز به سر آمده». آنان که نزد شاه بودند، از این سخنان غمین گشته، زال آهی سرد از سینه برآورد و همه آزرده و غمین از بارگاه شاه بیرون رفتند. زال همراهان را گفت او اسیر دیو شده است.

به ایرانیان گفت کاین رای نیست/ خرد را به مغز اندرش جای نیست/ که تا من ببستم کمر بر میان/ پرستنده‌ای پیش تخت کیان/ ز شاهان ندیدم کسی کاین بگفت/ چو او گفت ما را نباید نهفت/ مگر دیو با او هم‌آواز گشت/ که از راه یزدان سرش بازگشت.